



مقالات

سؤال کردن کار آسانی است، ولی مطرح کردن سؤال آموزنده و نتیجه بخش، درخور توجه است. بعضی از معلمان از این نکته غافل اند. برای درک اهمیت مطلب، خود را با این تکلیف کوچک بیازمایید: پنج سؤال خوب مثلاً درباره دو چرخه بنویسید. آیا می توانید این سؤال ها را مستقل از هم طرح کنید؟ آیا ممکن است آن ها را طوری بنویسید که شخص مورد سؤال را به فکر وادارد و در عین حال موجب یادگیری او شود؟ وقتی ما درباره این وسیله مهم آموزش، یعنی پرسش، بحث می کنیم، تصدیق خواهید کرد که طرح سؤال خوب تا چه اندازه دشوار است. پرسش در تدریس ارزش زیادی دارد: معلم را کمک می کند تا از طرز فکر دانش آموزان خود باخبر شود، موجب می شود تا دانش آموزان آن چه را از درس فهمیده اند بیان دارند، دانش آموزان را به فکر و دریافتن مطالبی وامی دارد که در مواقع عادی، خود را برای یادگیری آن ها به زحمت نینداخته اند. معلمان از پرسش به منزله وسیله تماس با افکار شاگردان خویش استفاده می کنند و نتیجه ای که از این راه عاید می شود، در عین حال که جالب توجه است، مفید نیز هست. در پایان هر درس، پرسش هایی را که از دانش آموزان کرده اید، به یاد بیاورید و درباره استفاده ای که از آن ها کرده اید، بیندیشید.

پرسش های شما و جواب های شاگردان

کلید واژه ها:
عمل اخلاقی،
ارزش، مسئولیت،
راه حل، آموزش.

مطالعه این مقاله را به آموزگاران عزیز توصیه می کنیم. رشد

مهدی پرهام

راهنمای معلم



پرسش‌های شما

ولی پرسش‌ها به منظورها و روش‌های گوناگون مطرح و به دو دسته متمایز تقسیم می‌شوند: آن‌هایی که سؤال‌شونده را به فکر وامی‌دارند و آن‌هایی که معلومات و مدرکات وی را معلوم می‌سازند. سؤال‌های دسته اول باعث برانگیختن فکر می‌شوند، درحالی‌که پرسش‌های دسته دوم آن‌چه را دانش‌آموز می‌داند به خاطرش می‌آورند.

پرسش‌های تحقیقی

گاهی می‌توانید برای آماده کردن فکر دانش‌آموزان برای درس تازه، قبلاً پرسش‌هایی از آنان بکنید. چنین پرسش‌هایی را باید براساس دروس پیشین قرار داد تا به منزله آزمایش و تحقیق از معلومات دانش‌آموزان باشد. این نوع پرسش‌ها را معمولاً پرسش‌های تحقیق می‌گویند. این شاگردان را مشتاق و خواستار یادگرفتن مطالب بیشتر می‌کند و به شما هشدار می‌دهد که چه مطالبی را باید تدریس کنید. با ملاحظه این نکته، وقتی شما مثلاً می‌خواهید «فایده نوشیدن شیر» را تدریس کنید، اگر از کلاس پرسید که «امروز صبح برای صبحانه چه خورده‌اید؟» سؤال درستی نکرده‌اید. زیرا این قبیل سؤال‌ها، جواب‌های متعددی در پی دارد و شاگردان را به اندیشه و انمی‌دارد. علاوه بر این، هر پاسخی که در آن زمینه داده شود، ممکن است درست باشد. کودکی جواب می‌دهد که شیر خورده است و کودک دیگر می‌گوید تخم مرغ. بنابراین چنین پرسش‌هایی بی‌استفاده خواهد بود. اما اگر پرسید «کی امروز چیزی مفیدتر از چای خورده است؟» و وقتی پاسخ شنیدید، سؤال‌های دیگر بکنید تا به جواب که شیر است برسید، در این صورت، شاگردان را در زمینه جواب گفتن محدودتر ساخته‌اید. آنان مجبورند قبل از پاسخ به این سؤال‌ها، ببینند و به خاطر بیاورند که چه چیز دیگری خورده‌اند که برای بدنشان مفید بوده است. در آخر، باید اضافه کنم که سؤال‌های تحقیقی را همیشه کوتاه و صریح مطرح کنید.

پرسش‌های آموزشی

بعضی از سؤال‌ها به منظور تربیت قیاس، تصور و استنباط شاگردان مطرح می‌شوند. آن‌ها شاگردان را کمک می‌کنند تا افکار و عقایدشان را آن‌طور که شما می‌خواهید، رشد دهند. برای این که این قبیل پرسش‌ها نتیجه‌بخش باشد، باید بتوانند فعالیت ذهنی صحیح و واقعی در شاگردان ایجاد کنند. آن‌ها باید درباره موضوعی مشخص و به زبانی ساده و مناسب و روشن باشند و از حدود تجارب و معلومات دانش‌آموزان تجاوز نکنند و بتوانند به درستی درباره آن‌ها ببینند. این نوع سؤال‌ها را معمولاً پرسش‌های آموزشی می‌خوانند.

پرسش‌های بیهوده

هرگز خود را به پرسش‌هایی از قبیل «ملفت شدیدی؟»، «این طور نیست؟» و «خب؟» عادت ندهید. زیرا برای هیچ‌کس فایده‌ای در بر ندارند. معمولاً شاگردان در مقابل چنین سؤال‌هایی با هم می‌گویند: «بله»، «چرا» و نظایر این‌ها. بدیهی است که هیچ‌یک از شاگردان جسارت نخواهد داشت که در جواب «نه» بگوید. چنین پرسش‌هایی را پرسش‌های تأییدی می‌گویند، برای این که موجب

می‌شود شاگردان خواه مطلب درست باشد یا غلط، با نظر شما موافقت کنند. این پرسش‌ها بیهوده هستند.

نوع دیگر پرسش‌های بیهوده آن است که بدان وسیله از شاگردان بخواهید گفته معلم را تکرار کنند. مثلاً بگویند «تهران پایتخت ایران است، تهران چیست؟» و آنان با هم می‌گویند «پایتخت ایران است.» مادام که شما نمی‌خواهید مطلبی علمی تکرار و تأکید شود، از طرح این گونه پرسش‌ها، که شاگردان به‌طور گروهی به آن‌ها پاسخ می‌دهند، بپرهیزید.

از جمله پرسش‌های بیهوده، یکی هم در موقعی است که کلمه‌ای از جمله سؤال را بیندازید و از شاگردان انتظار تکمیل آن را داشته باشید. مثلاً بگویید: «عنکبوت چهار... دارد؟» واضح است که به عوض این جمله، معلم می‌توانست بگوید: «عنکبوت چند پا دارد؟» در نوع اول، مطلب روشن نیست و دانش‌آموزان فقط می‌توانند با حدس جواب بدهند، و چنین جوابی نیز ممکن نیست حاکی از آن باشد که شاگرد با فکر کافی در موضوع پاسخ گفته است. صلاح کار در این است که از این نوع پرسش‌ها نیز بپرهیزید.

پرسش‌هایی نیز هستند که مردم آن‌ها را می‌پسندند، ولی جواب ندارند. این قبیل سؤال‌ها غالباً در دروس تعلیمات دینی و اخلاق معمول است. از نوع آن‌ها عبارت‌اند از: «چه چیز در این زندگی می‌تواند عالی‌تر از درستی و حقیقت‌جویی باشد؟»، «چه کسی ادعا می‌کند که در ستکاری بی‌پاداش می‌ماند؟» چنین پرسش‌های مبنی بر عبارت‌پردازی، برای آن بیان می‌شوند که مردم را به تصدیق و تحسین خصوصیات عالی انسانی وادارند. شنیدن این قبیل سؤال‌ها، برای مردم بزرگسال خوشایند است، ولی در کلاس درس خردسالان باید از اظهار نظایر آن‌ها خودداری کرد، زیرا کودکان هنوز استعداد آن را ندارند که بتوانند به معنای تقوا و مسائل اخلاقی واقف شوند.

از مطرح کردن پرسش‌هایی که ممکن است جواب‌های گوناگون داشته باشد، بپرهیزید. برای مثال این جمله را در نظر بگیرید: «وقتی به رودخانه نگاه می‌کنید، چه چیز در آن می‌بینید؟» کودکی می‌تواند جواب بدهد «آب»، دیگری بگوید «ماهی» و سومی بگوید «سنگ‌ریزه» و پاسخ هر سه هم درست باشد. سؤالی که بتواند چندین جواب داشته باشد، مبهم است و بنابراین بیهوده.

پرسش‌هایی برای کمک به حافظه

اگر از کودکی خواسته‌اید کار مخصوصی را در وقت معینی انجام دهد و او پیوسته آن را فراموش می‌کند، می‌توانید به وسیله پرسش‌های کمک به حافظه، آن را به خاطرش بیاورید. فرض کنید به کودکی گفته‌اید که قبل از غذا دست‌هایش را بشوید و او را می‌بینید که بدون عمل به این دستور شما، بر سر سفره می‌نشیند. در این حال، می‌توانید گفته خود را با این قبیل پرسش‌ها به یادش بیاورید: به تو گفته‌ام که قبل از خوردن غذا چه باید بکنی؟ از پرسش‌های کمک به حافظه نباید استفاده کنید، مگر در موقعی که کودک خلاف دستور شما عمل کرده است.

بعضی از پرسش‌ها نیز به منظور آماده کردن ذهن شاگردان داده می‌شوند. چنین پرسش‌هایی مخصوصاً در درس‌های تمرینی و حساب که به فعالیت مغزی نیازمندند، مفید واقع می‌شوند. برخی از معلمان آن‌ها را پرسش‌های تمرینی می‌گویند. برای مؤثر واقع شدن این قبیل سؤال‌ها، باید آن‌ها را کوتاه و روشن ادا کرد.

بعضی از سؤال‌ها

به منظور تربیت

قیاس، تصور و

استنباط شاگردان

مطرح می‌شوند.

آن‌ها شاگردان را

کمک می‌کنند تا

افکار و عقایدشان

را آن‌طور که شما

می‌خواهید، رشد

دهند. برای این که

این قبیل پرسش‌ها

نتیجه‌بخش باشد،

باید بتوانند فعالیت

ذهنی صحیح و واقعی

در شاگردان ایجاد

کنند



شاهرخ رضایی نسب
معلم نمونه استانی ۹۰
زابل

شاهرخ رضایی نسب با نارا بوین مدرک کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، مدرس مراکز تربیت معلم، آموزشگاه فنی، دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد و همچنین، سرگروه آموزش رایانه در استان سیستان و بلوچستان است. وی اهل تحقیق و پژوهش است و در ششمین کنفرانس سیستم‌های هوشمند در دانشگاه شهید باهنر کرمان و نیز در نهمین کنفرانس آموزش ریاضی، مقاله ارائه داده است.

همیشه سعی کنید پرسش هایتان صریح باشند و از آن‌هایی که تنها جواب «بلی» و یا «نه» دارند، اجتناب کنید. پرسش‌هایی کنید که شاگردان را به تکلم وادارند تا در نتیجه از نقص معلومات و اشکالات موجود آنان، اطلاع پیدا کنید. پرسش‌ها را تا حد امکان منطقی و در حدود درس مطرح کنید. سؤال‌های شما و پاسخ‌های شاگردان، باید قسمتی از درس هر ساعت را تشکیل دهد. هنگامی که چیزی می‌پرسید، زیاد مکث نکنید تا جواب آن را دریافت دارید. مکث شما موجب می‌شود فکر شاگردان به مطالب دیگر معطوف شود و یا اصلاً مختل شود. هرگز پرسش‌های خود را تکرار نکنید، زیرا در آن صورت شاگردان عادت می‌کنند همیشه منتظر تکرار شما باشند. تنها یک‌بار سؤال کنید تا آنان عادت کنند که در تمام وقت به گفتار شما گوش بدهند.

چگونه باید پاسخ‌های شاگردان را پذیرفت؟

در مقابل هر پرسشی، ممکن است پاسخی از شاگردان و یا گروهی از آنان یک‌جا دریافت دارید، ولی روش منطقی آن است که پرسش‌ها را از افراد بکنید و از تمام کلاس انتظار داشته باشید که متوجه مطلب باشند. هرگز نخواهید که بعد از سؤال شما،

شاگردان دست بلند کنند. هیچ‌وقت هم سؤال‌های خود را به آن‌هایی که برای جواب گفتن شتاب می‌کنند، منحصر نسازید. چون دانش‌آموزانی هستند که به آرامی می‌اندیشند و مدتی طول می‌کشد تا بتوانند جوابی پیدا کنند. اگر شما توجه خود را تنها به کسانی که دست بلند کرده‌اند معطوف دارید، قطعی است چنین شاگردانی را از نظر خواهید انداخت. دانش‌آموزان دیگری نیز وجود دارند که به علت تنبلی یا کم‌رویی، دست‌های خود را بلند نمی‌کنند و تا از آنان مستقیماً سؤال نکنید، نخواهید دانست که به درس گوش می‌دهند یا نه. از نظر دانش‌آموزان به‌طور پراکنده سؤال کنید تا نتوانند پیش‌بینی کنند که پرسش بعدی از چه کسی خواهد بود.

تنها پاسخ‌های کامل را از شاگردان بپذیرید. ادای جمله کامل در این امر ضروری نیست، ولی آنان را تشویق و راهنمایی کنید تا عقاید خود را با عبارات رسا بیان کنند. خواستن جواب کامل باعث می‌شود کودکان افکار خود را به‌طور نسبتاً مفصل بیان کنند. در نتیجه، شما می‌توانید از نحوه نظرات و وسعت علم آنان اطلاع لازم را کسب کنید. آنان را طوری تربیت کنید که همیشه جواب‌های روشن و مفهوم بدهند. هرگز پاسخ کودکی را تفسیر و تعبیر نکنید. به خود او فرصت دهید تا بیان خود منظورش را آشکار سازد. از او بخواهید آن‌چه را در فکر دارد، صریحاً با عبارات هر چه ساده‌تر اظهار کند. او نباید تنها به دادن جواب صحیح کفایت کند، بلکه باید مطمئن باشد آن‌چه می‌گوید، معنادار است.

جواب نادرست را ندیده نگذارید، آن را رسیدگی کنید و شکل صحیح و دقیق آن را معلوم سازید. ولی این اصلاح خود را باید با مهربانی و ملامت، نه با پرخاش و خشونت، انجام دهید. اگر شاگردی جواب خیلی خوبی داد، نظر موافق خود را آشکار سازید و او را میان هم‌کلاسانش تشویق کنید. ولی در این کار زیاده‌روی نکنید، زیرا در آن صورت تحسین و تشویق شما ارزش و اهمیت خود را از دست می‌دهد.

وقتی شاگردی جواب غلط می‌دهد، از او درباره مطلب پرسش‌های بیشتری بکنید. این کار شما را یاری می‌کند تا به ریشه و علت اشتباه او پی ببرید. فرض کنید که از کودکی می‌پرسید: «چرا در ماه‌های فروردین و اردیبهشت بیشتر از ماه‌های تیر و مرداد باران می‌بارد؟» و او جواب می‌دهد: «برای این که پرستوها در فروردین و اردیبهشت می‌آیند.» در این حال اگر عصبانی شوید و بخواهید او را سر جایش بنشانید، کار درستی نکرده‌اید. متأسفانه، بعضی از معلمان چنین رفتاری دارند. روش صحیح در این‌باره آن است که از او بپرسید: «چرا پرستوها در این موقع سال می‌آیند و از کجا می‌آیند و سبب آمدنشان چیست؟» از این طریق می‌توانید او را راهنمایی کنید تا علت واقعی را کشف کند و به جواب سؤال شما هم برسد.

جواب نامناسبی را که کودک می‌دهد، رد نکنید. این کار او را دچار شک و دودلی می‌کند. مورد اشتباه او را برایش معلوم سازید.

گاهی توضیح یک پاسخ غلط برای عموم شاگردان کلاس مفید واقع می‌شود، زیرا در نتیجه آن، علت اشتباه روشن می‌شود و سایر شاگردان آن را تکرار نمی‌کنند.

اگر شاگردی جوابی داد که قسمتی از آن صحیح است، آن قسمت را تصدیق و او را تشویق کنید. اگر توجه کند، می تواند به سؤال های شما پاسخ صحیح بدهد.

پرسش های کودکان

علت سؤال

کودکان معمولاً موقعی سؤال می کنند که در چیزی متحیر بهمانند. آنان هنوز نمی توانند خودشان جواب سؤال هایشان را دریابند، بنابراین از بزرگسالان می خواهند که مطالب و مسائل را برایشان توضیح دهند. گاهی نیز برای این که با شخصی ناآشنا طرح دوستی بریزند، از او پرسش هایی می کنند. مثلاً می گویند «این دو چرخه مال شماست؟»، «منزلتان کجاست؟»، «این ساعت را کی به شما داده است؟» این قبیل پرسش ها، برای اطلاع از مطلبی نیست، بلکه می خواهند به بهانه آن ها با شخص غریبه شروع به صحبت کنند.

گاهی نوعی ترس ناآگاهانه، موجب سؤال کودک می شود. ممکن است حادثه ای باعث به وجود آمدن حالت ترس در ضمیر ناخودآگاه کودک شده باشد، نظیر این حال برای کودکی پیش آمد که ناظر دفن کودک دیگری بود. بعد از چند ماه، از مادرش پرسید که آیا او هم به زودی خواهد مرد؟ مادرش که از علت سؤال بی خبر بود، او را بدون دادن جواب ساکت کرد. نباید رفتاری چنین داشت. سعی کنید علت سؤال کودک را دریابید و در حدود فهمش به او پاسخ دهید. هرگز آن را مهمل مشمارید و کودک را به سکوت مجبور نکنید.

یکی از راه هایی که بدن وسیله می توان از نظر دانش آموزان درباره معلم اطلاع به دست آورد، آن است که ببینیم آزادانه از او سؤال می کنند یا نه. اگر معلم دارای اخلاق خشن باشد و رفتار تند داشته باشد، شاگردان می ترسند و در حضور او احساس آزادی نمی کنند. معلم خوب سؤال های شاگردانش را با خوش رویی و نظر مساعد می پذیرد. در ضمن درس، گاهی درنگ می کند، منتظر سؤال می شود و در بعضی مواقع خود او به پرسش هایی که ممکن است دانش آموزان نتوانند بپرسند، اشاره می کند. چنین روشی باعث می شود شما را به عنوان معلم برجسته ای بشناسند، زیرا اطرز رفتار تان در مقابل پرسش های شاگردان، نمودار لیاقت و کفایت شما خواهد بود.

به چه نحو باید پرسش های شاگردان را پذیرفت؟

ممکن است کودکی سؤال بکند که معلوم بشود منظور شما از اصطلاح خوش مزگی است نه یادگیری و رفع اشکال. در چنین مواردی، باید او را سرزنش نکرد و اجازه صحبت نداد، و به او فهماند که گستاخی او را تحمل نمی کنید و محیط کلاس را دور از آن نگه خواهید داشت، ولی در عین حال، او را آگاه کنید که جسارت و بی ادبی او در چه موردی بوده است.

اگر سؤالی خیلی ساده و ناقابل باشد، آن را به خود کودک برگردانید تا جوابش را دریابد. فرض کنید او بپرسد «اگر با چاقو بازی کنم، چه اتفاقی می افتد؟» در مقابل شما می توانید از او سؤال کنید که معمولاً عمل چاقو چیست و از این راه خود او را به پاسخ سؤالش برسانید. مستقیماً به او نگویند که اگر با چاقو بازی کند،

دستش را خواهد برید. یک مثال دیگر از این قبیل سؤال ها این است که «اگر زیاد نکوشم، در امتحان مردود خواهم شد؟» باز برای رسیدن به پاسخ مطلوب، باید سؤال را به خود سؤال کننده برگردانید. اگر سؤال کودک نشان می دهد که وی قسمتی از درس را نفهمیده است، آن قسمت را دوباره تکرار کنید. نگذارید فکر اشتباهی درباره درس در ذهنش جای گزین شود. ممکن است از سؤال او روشن شود که در فهم مطلب با اشکالاتی مواجه است. در این حال بهتر است آن اشکالات را به وسیله پرسیدن یکی دو سؤال از خود او برطرف کنید. اگر پرسش هایتان نتواند به فهم او کمک کند، بی استفاده خواهد بود.

سؤال های جدی را با اهمیت تلقی کنید و با علاقه به آن ها پاسخ دهید. کودکی که از مادرش می پرسد: «بچه از کجا می آید؟» مطلب را کاملاً جدی گرفته است، باید واقعیت را مطابق با فهم و درک او بیان کرد. لازم نیست مراحل آبستنی و تولد را از نقطه نظر فیزیولوژیک مورد بحث قرار دهید، تنها به سادگی و بدون تفریح و شوخی، چگونگی به دنیا آمدن کودک را برایش بگویید. طوری رفتار کنید که او بفهمد جواب شما کاملاً جدی است.

این درست نیست که فقط به کودک پاسخ دهیم کودکان را از بیمارستان ها و یا زایشگاه ها می آورند. بعضی ها با این قبیل جواب ها خود را از بند سؤال کودک خلاص می کنند تا مجبور به اظهار کلمات به اصطلاح «قبیح» نشوند. چه ایرادی دارد اگر به کودک بگوییم وقتی که زنان شوهر کنند، اگر بخواهند صاحب بچه شوند، آبستنی می شوند و بعد از نه ماه بچه می زایند؟

اگر جواب سؤال کودک را نمی دانید، به آن اعتراف کنید، ولی بعداً سعی کنید جواب درست را پیدا کنید و برایش بگویید.

سؤال هایی نیز می شود که پاسخ دادن به آن ها بیشتر وقت کلاس را می گیرد و حتی بعد از جواب دادن نیز مشاهده می کنید که ارتباطی با درس روز ندارد. بهتر است کودکانی را که این قبیل سؤال ها را مطرح می کنند، راهنمایی کنید که در کجا می توانند جواب سؤال خویش را پیدا کنند و یا از آن ها بخواهید که بعد از ساعات درس و در مواقع فراغت، آن ها را در حضور شما مطرح کنند.

باید پیوسته این را به خاطر داشته باشید که سن کودکان اجازه نمی دهد آنان جواب کامل و مفصلی را که در مقابل بعضی از پرسش ها می دهید، درک کنند. بنابراین در دادن پاسخ، طریق اختصار را انتخاب کنید و ضمناً متذکر شوید که گفتنی درباره مطلب زیاد است. اگر از چنین سؤال هایی که به اختصار به آن ها جواب می گویند، پاداشستی نگه دارید و در ضمن درس های بعدی به آن ها اشاره کنید، نتیجه بسیار مفیدی حاصل خواهد شد.